

## درپيوند با مقاله

## تمدن «سند - هلمند» آغاز گر تاريخ ما

(بخش آخر)

## ۴- مطالعات باستان شناسان امریکائی درنیمروز:

طی سالهای ۱۹۵۰-۱۹۵۱ میلادی برای نخستین بار از جانب موزیم ملی امریکا برهبری فایرسرویس Fairservis فعالیتها و پژوهشهای باستان شناسی در زمینه قبل التاریخ سیستان، در ناحیه رود بیابان در سمت چپ رودخانه هیلمند در نیمروز صورت گرفت که نتایج این پژوهش ها بعد ها اساس کاوشهای باستان شناسی دانشمندان دیگر کشورها در سیستان گردید. فایرسرویس خاطر نشان ساخت که : چون زمین سیستان در اثر وزش بادهای شدید و طولی مدت طی قرون متوالی بسیار سائیده شده ، لذا تحقیقات سطحی یا عمقی در آنجا بسیار دشوار است و تعیین مراتب فرهنگ آن هم کاری است مشکل. از روی مطالعات مقدماتی اینقدر میتوان گفت که ، رویهمرفته فرهنگ سیستان با مدنیت ایران جنوبی و مرکزی ارتباط مستقیم و با مدنیت قندهار و دره سند ارتباط غیر مستقیم دارد. (۲۸)

در سال های ۱۹۶۸ و ۱۹۶۹ میلادی بار دیگر از جانب دانشمندان باستان شناسی پوهنتون فلادلفیای امریکا، با همکاری موسسه باستان شناسی افغانستان در نیمروز، در اطراف رود بیابان ، رامرود، گردن ریگ، گودزره، رود سرشیله و زیارت "گذر شاه مردان" تحقیقاتی صورت گرفت که با دستیابی به اشیاء و ابزارهای مختلف زندگی روستائیان در ادوار قبل از اسلام و حتی قبل از میلاد تأیید شد و تأکید گردید که در اطراف رود بیابان چنان نقاطی هست که در آنها شواهد عصر برونز و کلکولیتیک را میتوان مشاهده کرد. گزارش میرساند که هیئت مذکور این نقاط را در دو نوبت ، یکی در سال ۱۹۶۹ و بار دیگر در ۱۹۷۱ مورد مطالعه دقیق قرار داده است. فایرسرویس در سال ۱۹۶۹ در نیمروز ، در محل گردن ریگ، در کنار چپ رود سرشیله یک ساحه ۲۰۰ کیلومتر مربعی را کشف کرد که روزگاری یکی از مناطق آباد و پرنفوس و صنعتی سیستان بشمار میرفته است. فایرسرویس در محل گردن ریگ، نقاط قبل التاریخی را نیز کشف و تعیین نمود. کشف یک مهر تاپه نی از سنگ صابون و ریزه هایی از سنگ لاجورد مربوط قبل التاریخ در محل گردن ریگ، لا اقل میتواند عصر آبادانی این ساحه را معین نماید.

رئیس باستان شناسی پنسلوانیای امریکا گزارش میدهد که در سال ۱۹۶۹ با مشکلات فراوان توانسته است بوسیله موتور سائیکل خود را تا دهنه رود سرشیله برساند و در آنجا موفق به کشف دوساحه بسیار پرازش متعلق به عصر ماقبل تاریخی سیستان شود، که یکی از این دو محل موسوم به "لوم" و دیگری موسوم به "گذر شاه" (یا گذر شاه مردان) میباشد. گذر شاه مردان، زیارتی است که روی قبر آن انواع مختلف آلات و ابزار کلالی و سنگی و فلزی مشاهده میشود.

یکی از اشیاء جالب توجه زیارت "شاه مردان"، سنگ های صیقل شده تاریخی به سازه ها و رنگ های مختلف از قبیل سفید، سبز، سیاه میباشد که با دقت خاص ساخته و پالش شده اند. از اینگونه سنگ ها و آثار تاریخی در ترکمنستان شوروی نیز بدست آمده است که متعلق به ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد میباشد. چنان معلوم میشود که برخی از اشیاء سنگی گذر شاه مردان (مثلاً آسیای دستی) متعلق به عهد ماقبل التاریخ یعنی پیش از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد باشد.

هر چند گذر شاه مردان، از لحاظ شرایط مساعد زندگی در ازمنه باستان، جای خیلی مناسب و مساعد پنداشته میشود، ولی تا کنون این ساحه به مقصد تحقیقات باستان شناسی مورد مطالعه قرار نگرفته است. در جنوب رود سرشیله ، یک منطقه پراز قبر های خورد و بزرگ بنام "لوم" افتاده است. در میان این قبور یکی از آنها خیلی جالب و پرشکوه است و چنان معلوم میشود که به شخصیت مهمی تعلق داشته باشد، زیرا این قبر بادیوارهای مستحکم و بلند از خشت احاطه شده است که ارتفاع دیوارهای آن به بیش از ۳۰ متر میرسد. قبر با پارچه های سنگ مرمر، توت های شکسته چینی و شیشه پوشانیده شده است.

همچنان در اطراف این قبرها یک تعداد زیاد اشیاء طلائی دستیاب میشوند که برخی از آنها به عهد ماقبل تاریخی تعلق دارند. (۲۹) به هر حال، سیستان از لحاظ تاریخی از ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، در عصر کلتور برونز و مس، بین

بلوچستان و قندهار، بخاطر موجودیت رودخانه بزرگ هیرمند، یک ساحه حاصل خیز و سرسبز در طول تاریخ بوده است. (۳۰)

از جمله آثار پیش از تاریخ این ناحیه، سفال های سیاه و سرخ رنگ مکشوفه از قبرستان ابراهیم خان واقع در ۱۱۰ کیلومتری غرب زابل در جنوب جاده زابل-زاهدان میباشد که تقریباً مربوط به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد است. (۳۱)

### کاوشهای باستان شناسی در ناحیه رود بیان :

در سال ۱۹۶۹ هیئت باستان شناس ایتالی برهیری پروفیسر مارویزوتوزی، کاوشهای در یکی از تپه های رودبیابان صورت گرفت. مساحت این تپه یک هزار متر مربع و تقریباً در فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شهر سوخته، در میان مجرای قدیمی رود هیرمند قرار گرفته است. سطح تپه از سفالهای و اشیاء دیگر پوشیده شده و حد اقل ۲۲ کوره سفال پزی بزرگ و کوچک بر روی سطح تشخیص داده شد.

در چهار کوره، کتوش مقدماتی بعمل آمد و سفالهای مکشوفه در آنها به عنوان انواع سفالهای شهر سوخته (۳ و ۴) تشخیص داده شد. کوره های شمار ۱ و ۳ دارای یک مخزن بوده و مسقف میباشند و در کوره های شماره ۲ و ۴ نیز همین شیوه پیروی شده با این تفاوت که در کوره اخیر دوماخز آتش دارند.

بطور کلی اهمیت بخصوص شهر سوخته از نظر آثار مکشوفه در آن است و علاوه بر این، نخستین کاوش های مربوط با استقرار و سکونت بشری در عصر مفرغ در ایران و هند میباشد.

سفالهای مکشوفه در کاوشها عموماً در هفت گروه کلی قرار میگیرند که گروه نخست همان سفالها و ظروف زرد نخودی است و تزئینات منقوش برنگ سیاه - قهوه ئی نیز در برخی سفالهای از موتیف های هندسی استفاده شده و نقش های چون بزغاله، پرندگان، مارها، و ماهیها به شیوه تجریدی در آنها بکار رفته است.

کاوشهای در مرکز تپه به عمل آمد موجب کشف آثار معماری و بناهای مستطیل شکلی گردید. بناهای دارای شش تا ده اطاق میباشد که با دیوارهای کوچک از یک دیگر جدا شده اند. درها، پنجره ها، بخاریها، پیه ها، کوره ها و نمونه و آثار دیگر معماری بنحو مطلوبی باقیمانده اند و بیان امر در نتیجه شرایط خشک اقلیمی منطقه سیستان میباشد که بسیاری از نابودی کامل طی قرون متمادی مصنون مانده اند و در این میان از آثار چوبی، مانند تیرهای سوخته سقف بنا ها و ابزار گوناگون چوبی باید نام برد. (۳۲)

### ۵- پژوهش های باستان شناسان آلمان در نیمروز:

طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۱ میلادی، دانشمندان دیرین شناس بن آلمان تحت ریاست پروفیسر فیشر، تحقیقات دیرین شناسی خود را در زمینه عصر اسلامی متمرکز ساختند و گویا این اولین باری بود که دانشمندان دیرین شناسی، درباره تمدن عصر اسلامی سیستان، دست به فعالیتهای تحقیقاتی زدند و آثار و بقایای تاریخی عصر اسلامی را در نیمروز در مناطق کده، پوست گا و دشت امیران، مورد مطالعه قرار دادند. با وجود آنکه نتایج این تحقیقات و کاوشها را طی دو جلد کتاب نسبتاً ضخیم بنام "نیمروز" بزبان آلمانی به چاپ رساندند، ولی تاکنون ریاست باستان شناسی آکادمی علوم افغانستان، موفق به ترجمه و نشر آن به دری نشده اند تا بر محتویات کتب مذکور اطلاع کافی حاصل میگردد. معذرت از مقدمه مختصری که بزبان انگلیسی بر آن کتاب نوشته شده، برمی آید که دانشمندان باستان شناس آلمانی به این اصل معترف اند که :

طی قرون ۱۲-۱۵ میلادی نیمروز و سراسر سیستان از یک کلتور غنی و مدنیت قابل ملاحظه مبنی بر سیستم منظم شبکه های آبیاری و کانالهای متعدد و وسیعی ایکه از هیرمند به هرسو کشیده بودند، برخوردار بوده است. طرز ساختمان منازل با استفاده از خشت خام و بشکل گنبدی و بکار بردن خشت های بزرگ پخته در تزئینات ساختمانها، با تخنیک های مختلف هنری، نمایانگر طرز و روش هنر معماری عنعنوی دوره های قبل از اسلام در خراسان و سیستان میباشد.

فیشر رئیس هیئت علاوه میکند: کثرت انبوه خرابه های نیمروز را میتوان نتیجه تهاجم و حملات مکرر فاتحانی چون: اسکندر، چنگیز خان، تیمور لنگ، و غیره در ادوار مختلف پیش و پس از اسلام دانست. سکنه محل پس از هریار تخریب شهرها و نهرها و بندهای آب برای ادامه حیات و بقای خود مجبور بودند مجدداً به اعمار منازل و احداث بندها و اصلاح نهرهای مخروبه بپردازند. فقط از قرن هفدهم و هژدهم به بعد است که دیگر سیستم منظم آبیاری در منطقه برهم میخورد و تراکم ریگ های روان در نهرها و شهرها، در مزارع و زمین های زراعتی و سرازیر شدن سیلاب های مدتش بهاری مردم را چنان عاجز ساخته که دیگر قدرت اعمار مجدد آن سیستم آبیاری سابقه را در خود ندیده اند، بالنتیجه حاصلخیزترین منطقه افغانستان به صحرای بایر و بی آب و علف مبدل شده است.

تحقیقات تاریخی و باستان شناسی در سیستان نه تنها برای روشن ساختن گوشه بی از تاریخ آسیا کمک خواهد نمود، بلکه می باید امکانات یک طرح عصری را برای عمران و سرسبزی مجدد منطقه با وسایل تخنیک مدرن جسجو و پیشکش کند. (۳۳)

نکته بی که می‌خواهم به ارتباط نظر پروفیسر فیشر آلمانی متذکر شوم اینست که سیستان در سراسر قرون وسطی و بخصوص از قرن هفتم تا اواخر قرن چهاردهم میلادی دارای جمعیت کثیر و شبکه های منظم آبیاری بوده و در همین دوره هفتصد ساله یکی از معمورترین نقاط کشور بشمار میرفت و از جهت فراوانی تولیدات کشاورزی خود، به "گدام غله آسیا" و از لحاظ عمران و سربیزی و طراوت نخلستانهایش به "بصره خراسان" شهرت یافته بود.

چنانکه میدانیم در شرق بطور عام و در سرزمین های ایران و افغانستان و آسیای میانه بطور خاص، آب و آبیاری مصنوعی، یکی از پر اهمیت ترین مسایل اجتماعی و اقتصادی این جوامع است. هر وقتی که شبکه های آبیاری بر اثر هجوم های ویرانگر صدمه دیده و از میان رفته اند، مردمان محل مستاصل شده و مجبور به ترک خانه و محل زندگی خود شده اند. بدبختانه سیستان نیز در اثر یورش خانمانسوز تیمورلنگ در قرن چهاردهم (۱۳۸۳م) و تخریب بیرحمانه شبکه های آبیاری و بندهای آب که بر رودخانه هیرمند قرار داشت، آن را به ویرانه موحشی مبدل کرد. و این ویرانی شبکه های آبیاری در دوره جانشینان تیمور نیز تکرار شد و بالنتیجه یکی از معمورترین و ثروتمندترین مناطق کشور از عمران افتاد و خراب و خراب تر شد و در دوره های صفوی و نادری نیز نتوانست کمر راست کند و رونق پارینه را از سر گیرد. ریگ های سیار دست در دست بادهای لجام گسیخته طبیعت داده و مجاری آب و آبیاری و دهکده ها را چون کفن سفید زیر پوشش خودگرفته است.

امروز هر که از فراه تا نیمروز یا از لشکرگاه از کرانه های هیرمند تا زرنج مرکز ولایت نیمروز و یا از دلآرام تا زرنج مسافرت کند، در طول سیصد کیلومتر مشاهده خواهد کرد که خرابه های حیرت آوری یکی بعد از دیگری افتاده و تا گلو در زیر ماسه ها و ریگ های روان غرق اند که جغد هم بیم دارد شبی را برکنگره حصار آنها سپری کند. این آثار و بقایای فراوان تاریخی در سیستان بیانگر غنا و ثروت سرشار سیستان در باستان زمان اند.

پروفیسر بارتولد، دانشمند و مستشرق نامدار روسی از قول داکتر بلیو انگلیس که سیستان را در ۱۸۷۲ دیده مینویسد: "هیچ نقطه بی در افغانستان مانند سیستان از هوا و هوس های آدمی صدمه ندیده است. تا چشم کار میکند، خرابه متصل خرابه افتاده است. این خرابه ها حاکی از ادواری است که ایالت سیستان مجد و عظمت و جلال و شکوه فراوان داشته است. فقط استقرار یک حکومت مترقی و عادل میتواند این خرابه ها را به شهرستانها و آن خارزار را به تاکستان های سربسز مبدل سازد." (۳۴)

**مکماهون** در گزارش تاریخی ای که به مناسبت حکمیت و مطالعات خود در مورد سیستان طی سال ۱۹۰۳-۱۹۰۵ نموده بود، به حاصلخیزی اراضی سیستان تماس گرفته مینویسد: "حاصلخیزی بی مانند زمین سیستان و فراوانی آب رودخانه هیرمند و معاونین آن، این ایالت را غنی ترین سرزمین ها از حیث محصولات زراعتی قرار داده است. ایالت سیستان با مختصر سعی و کوشش **مصرثانی** خواهد گشت، چونکه یک زمانی بسیار آباد و معمور بوده، شهرهای پرجمعیت داشته و سکنه آن غنی و با ثروت بوده اند، شک نیست که باریگر به همان اندازه آباد و معمور خواهد گشت." (۳۵)

**لاردرکن**، نایب السلطنه هند بریتانوی، در اوایل قرن بیستم، که به اهمیت سیاسی و اقتصادی سیستان، از هر کس دیگر توجه زیادت داشت، ضمن گزارشی به حکومت انگلیس نسبت به آینده آن اینطور ابراز امیدواری کرده است: «چه باید گفت به آن آثار بی شمار تاریخی که فرسنگ ها خرابه های آن امروز امتداد دارد؟ اگر سیستان در دست مردمان جدی و حساسی (مقصود انگلیسها است) قرار گیرد و آبیاری درست بشود، آیا نخواهد توانست به ترقیات ادوار گذشته خود برسد؟ من امیدوارم امروز بیاید. آینده سیستان بسته به اتخاذ اصول صحیح اداره کردن آب هیرمند است بوسیله هیدرولیک (یا هایدروتکنیک) که از تضییع آب جلوگیری کند. رود هیرمند امروز بطرف شمال (از حد رودبار) جاری است. زیادی آب در نینزار و باطلاق هدر میرود. وضع طبیعی سیستان هم طوری است که هیچ مانعی وجود ندارد از اینکه هیرمند به زمین های وسیع جنوب (زمین های منطقه گودزره و تراخون و رود بیابان و رامرود در دست چپ هیرمند) سوار بشود و آنها را آماده کشت و زرع کند. با ایجاد یک اصول صحیح و علمی آبیاری در آنجا این ایالت استعداد آنرا دارد که محصول فراوان بدهد.» (۳۶)

زمینهای سیستان (نیمروز) به سبب خاک میده خود (از نوع گل رس) که از ته نشین شدن رسوبات رودخانه های بزرگی چون هلمند و معاونین آن و فراه رود و خاشرود و خوسپاس و هاروت رود و غیره، در طول هزاران سال تشکیل یافته، خیلی حاصلخیز و پر فیض است و چون رطوبت رابخوبی نگهدارنده، انواع نباتات و کشت غلات در آن فوق العاده بسرعت نمو میکند و حاصل میدهد، اما بشرطی که آب لازم و کافی داشته باشد.

بیان

## مآخذ و رویکردها:

- ۱- کهزاد، تاریخ افغانستان، ج ۱، ص ۲، ص ۲۹، نیز مجله آریانا، شماره ۱۱-۱۲، سال ۱۳۴۵، مقاله نیمروز به نیم نگاه
- ۲- کهزاد، تاریخ افغانستان، ج ۱، ص ۲، ص ۳۲
- ۳- کهزاد، افغانستان در پرتو تاریخ، ص ۱۳۴۶، صص ۵-۶
- ۴- مجله باستانشناسی، شماره اول، سال ششم، ص ۴۰، مجله آریانا، ۱۳۳۷ (۱۱-۱۲) پایان حفريات مندیگک.
- ۵- شبیر، ج ۱، ص ۱۳۶۱، ترجمه عبدالظاهر یوسفزی، مجله باستانشناسی افغانستان، سال چهارم، شماره حوت ۱۳۶۱

تعداد صفحات: ۳ از ۴

- ۶- کهزاد، همان اثر، ص ۱۲- ۱۴
- ۷- مجله باستان شناسی افغانستان، شماره دوم، سال ۱۳۶۲، ص ۲۷
- ۸- حبیبی، تاریخ مختصر افغانستان، چاپ سوم، صص ۴-۵
- ۹- مجله آریانا، سال ۱۳۵۴، شماره دوم، مقاله "دوره های ماقبل التاریخ افغانستان، بقلم آقای معتمدی.
- ۱۰- مقاله رهپوترزی "تمدن سند و هلمند آغازگر تاریخ ما"، افغان- جرمن آنلاین فیروزی ۲۰۱۰
- ۱۲- مجله سخن، دوره چهاردهم (۱۳۴۲)، شماره ۶، مقاله گزارش حفريات در سيستان، بقلم پروفیسر سراته.
- ۱۳- مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۶، مقاله شهر سوخته، بقلم داکتر عیسی بهنام
- ۱۴- فرانسیس تاپسو (آثار هنری آسیای میانه و افغانستان)، ترجمه مسعود رجب نیا، مجله هنر و مردم، شماره ۱۲۶
- ۱۵- باستان شناسی و هنر ایران، سال ۱۳۴۸، شماره ۴، مقاله شهر سوخته، ترجمه غلامعلی شاملو، نیز ماتیگان سیستان، ص ۱۰۳- ۱۰۷
- ۱۶- مجله آریانا، قوس و جدی ۱۳۴۵، کشف یک شهر گمشده در سیستان.
- ۱۷- ماتیگان سیستان، مجموعه مقالات سیستان شناسی، صفحات ۱۰۹- ۱۲۱، پژوهش و گردآوری جواد محمدی خمک سکائی سیستانی، چاپ ۱۳۷۸ش مشهد ایران
- ۱۸- مجله باستان شناسی، شماره اول، سال اول، ۱۳۵۸، مقاله ( تجارت لاجورد در هزاره سوم پیش از میلاد)، بقلم مارویز بیوتوزی، ترجمه داود کواویان، سیستان سرزمین ماسه ها و حماسه ها، ج ۱، صفحات ۳۶- ۴۱، ازمن، چاپ اکادمی علوم افغانستان، ۱۳۶۴/۱۹۸۵
- ۱۹- مجله سخن، شماره ۶، سال ۱۳۴۲ مقاله گزارش حفريات در سيستان، بقلم پروفیسر سراته
- ۲۰- سالنامه کابل، ۱۳۱۷ش، مقاله حفريات نادعلی در سيستان افغانی، ترجمه احمدعلی کهزاد،
- ۲۱- کهزاد، تاریخ افغانستان، ج ۱، چاپ ۲، ص ۲۲- ۲۷، مقایسه شویبا مقاله حفريات نادعلی در سيستان افغانی، سالنامه کابل، ۱۳۱۷، ترجمه کهزاد.
- ۲۲- کهزاد، تاریخ افغانستان، ج ۱، ص ۲۸
- ۲۳- مجله آریانا، دوره ۲۴، شماره ۷- ۸
- ۲۴- مجله آریانا، سال اول، شماره چهارم، ص ۴۴- ۴۸، سیستان، سرزمین ماسه ها و حماسه ها، از من، ج ۱، ص ۵۶- ۵۸
- ۲۵- سیستان، سرزمین ماسه ها و حماسه ها، ج ۱، ص ۵۸
- ۲۶- مجله باستان شناسی، شماره اول (۱۳۶۰ش) مقاله "زادگاه رستم" بقلم تروزدل امریکائی، سیستان، سرزمین ماسه و حماسه ها، ازمن، ج ۱، صص ۶۰- ۶۲
- ۲۷- مجله باستان شناسی، شماره اول، سال سوم، (۱۳۶۰ش) مقاله "زادگاه رستم" از تروزدل امریکائی، سیستان، سرزمین ماسه و حماسه ها، ازمن، ج ۱، صص ۶۳- ۶۴
- ۲۸- W.A. Fairservis, Archaeological Studies in the Sistan of South West Afghanistan and Eastern Iran. New York, ۱۹۶۱، سیستان، سرزمین ماسه و حماسه ها، ج ۱، ازمن، صص ۷۰- ۷۲، چاپ اکادمی علوم افغانستان، کابل، ۱۳۶۴/۱۹۸۵
- ۲۹- مجله باستان شناسی افغانستان، شماره اول، سال ۱۳۶۱، ص ۷۱- ۷۲، سیستان، سرزمین ماسه و حماسه ها، ج ۱، صص ۷۰- ۷۲
- ۳۰- مجله باستان شناسی، شماره اول (۱۳۶۱)، مقاله "ساروتار" بقلم غلام رحمن امیری، عضو هیئت باستان شناسی افغانستان
- ۳۱- مجله هنر و مردم، شماره ۸۱، مقاله دکتر فرخ ملک زاده، درباره سیستان
- ۳۲- جواد محمدی خمک سیستانی، ماتیگان سیستان، ص ۱۰۷
- ۳۳- سیستانی، سیستان، سرزمین ماسه و حماسه ها، ج ۱، ص ۷۳
- ۳۴- پروفیسور بارتولد، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، چاپ ایران ۱۳۲۵
- ۳۵- سیستانی، سیستان سرزمین ماسه ها و حماسه ها، از این قلم، ج ۳، فصل دوازدهم
- ۳۶- سیستانی، سیستان سرزمین ماسه ها و حماسه ها، ج ۳، فصل یازدهم